



۲۰۱۶/۱۱/۲۸



ایوب قاضی زاده

## به امید ایجاد

### یک اتحادیه حقوقدانان واقعی افغانستان در اروپا

من در شهر کابل در یکی از دفاتر وکلای مدافع عضو مسلکی هشتم و چهار سال قبل از فاکولته حقوق پوهنتون کابل فارغ شدم. پدرکلانم قاضی یوسف نام داشت و مسلک او را بعد از شهادتش به دست عمال خاد، پدرم ادامه داد. من بعد از فراغت به سوی مسلک وکالت دفاع که در افغانستان یک مسلک مدرن تر می باشد، رو آوردم. در دفتر اینترنت داریم و در اوقات بیکاری خود را با آن مصروف می سازم. از طریق اینترنت با برخی تشکل ها، سایت ها و نوشته های افغانهای مقیم اروپا هم آشنائی پیدا کردم. نام انجمن حقوقدانان افغان در اروپا، بنا به کشش مسلکی برایم در آغاز گیرا بود. بنابراین سری به وبسایت شان زدم. نام های هیأت رهبری و فعالین برای من نا آشنا بود. نام ها را یادداشت نموده و از پدرم پرسیدم. پدرم چند تا نام را می شناخت.

پدرم گفت اینها به ناحق خود را حقوقدان معرفی کرده اند. وی گفت در لیست نام ها تنها غلام سخی مصون که دکترای خود را در رشته حقوق خصوصی بین الدول گرفته حقوقدان محسوب شده می تواند ولی او یقیناً شیخ فانی است و از نامش برای با مسمی ساختن انجمن، استفاده سوء بعمل آمده است. پدرم یکی از معاونین رئیس را خوب می شناخت. این آدم در دورانی که حزبش حاکم بود محصل حقوق بود و کارمند با صلاحیت کمیته حزبی در فاکولته حقوق بود.

چون کار حزبی می کرد، ادعا می نمود که به خاطر خدمت به انقلاب (!؟) در لکچر ها حاضر نبوده و نمرات رایگان را ها حاضر نبوده و نمرات رایگان را به زور یا به رضا از استادان می گرفت. یکی از معجزات انقلاب شکوهمند ثور (!) این بود که همین آدم بعد از فراغت به حیث اسپینتانت در فاکولته حقوق شامل گردیده و در عین حال منشی کمیته حزبی فاکولته بود. قرار معلومات پدرم، منشی های حزبی معمولاً در اختناق کشنده ای که در فاکولته ها حاکم بود و در ناپدید شدن های محصلین و استادان نقش داشتند. معاون دومی نخست معاون شرف الدین شرف رئیس خارنوالی اختصاصی انقلابی بود و در دوران نجیب الله جانشین او گردید. همه می دانند که مستنطقین، خارنوالان اختصاصی و قضات محکمه اختصاصی همان مثلث شیطانی ای بودند که از دهقان و کارگر و محصل، طی چند هفته یا چند ماه معدود اعدامی می ساختند و امر اعدامش را هم نجیب الله و کارمل امضاء می کردند. عده ای دیگر اعضای رهبری، کمیته نظارت و هیأت تحریر که پدرم با نام آنها آشنا است، در دوران اشغال و حکمروائی روس ها در افغانستان در پُست های رؤسا و اعضای دیوان های محکمه اختصاصی انقلابی، خارنوالان اختصاصی انقلابی،

مستنطقین خاد و غیره کار میکرده و به استثنای عده معدود، دانش حقوقی بقیه محدود به یک کورس استنطاق یا کورس کریمنل تخنیک کوتاه مدت در اتحاد شوروی سابق می باشد.

با رجوع به نوشته های این عالیجنابان متوجه شدم که همه نوشته ها سیاسی، با ادبیات کلیشه ای پرچمی و فاقد جوهر حقوقی میباشند. شنیده ام همه آنانیکه در اروپا پناهنده اند یا اقامت قانونی دارند، حق تشکیل انجمن را دارند. این حق قانونی شان است که انجمن بسازند. اگر این انجمن را (انجمن کارمندان امنیتی رژیم کمونیستی در اروپا) نام می گذاشتند، من اعتراضی نداشتم. اما استفاده ابرازی از نام حقوقدانان به حیث پوشش لوکس برای ماهیت درونی گنبد خادیسست ها را قابل تحمل ندانسته و آنرا توهینی برای مسلک خود می دانم. خوشبختانه اخیراً با مقاله ای از یک آدم واقع بین و تحلیلگر به نام محمد موسی افتخار برخوردارم و در وجود او همدردی یافتم. من این حقوقدان را تا حال نمی شناسم اما محتوی نوشته او بیانگر حقوقدان بودنش و نا رضایتی و اعتراضیست که من هم دارم. امیدواری به اینکه این مستنطقین خاد، خرنوالان و قضات محکمه بدنام و تشنه به خون اختصاصی انقلابی از ادعای حقوقدان بودن بگذرند، وجود ندارد. وقتی کس از خادیسست بودن نشرمد و حاضر به اذعان به ارتکاب جنایات بیشمار علیه بشریت در دوران کارمل - نجیب نباشد، می تواند هر نوع لقب بی مسما را بخود نسبت دهد. اینها همان چشم سفیدانی اند که دیروز که قدرت داشتند در هر گام شان خشونت بیداد میکرد و قانون پامال می شد. شکنجه و محاکمه کردن شکنجه نمودن کار روزمره شان بود، ولی حالا در مورد حاکمیت قانون کنفرانس به اصطلاح علمی برگزار می کنند. این موضوع مرا به یاد یک همکار دیگر شان به نام حضرت گل حسامی انداخت. حضرت گل که هنوز هم در ستره محکمه دولت کنونی میلولد و لقب دروغین قضاوتپوه را بخود نسبت میدهد، طی یک مقاله ای که چند سال قبل در مجله بی مضمون قضا چاپ شد، کنوانسیون حقوق طفل را معرفی نموده است. حالانکه همین قاضی اختصاصی انقلابی در دوران اقتدار حزب صدها نوجوان را به جرایمی نظیر پخش شبنامه به سال ها زندان محکوم می نمود و از هزاران طفل دیگر پدر بیگناه شان را گرفته و آنها را محکوم به زندگی یتیمی و محرومیت همه جانبه کرد. در اخیر پیشنهاد من به حقوقدانان واقعی افغان در اروپا اینست که اتحادیه ای از مجرب ترین و پاک ترین حقوقدانان که در ساحه اکادمیک و یا کار عملی حقوقی توشه بار قابل توجهی داشته باشند، ایجاد نموده و با انتشارات با محتوای حقوقی، دانش حقوقی شان را به علاقمندان حقوق در داخل و خارج از کشور انتقال دهند.